



## وضعیت مخازن مشترک نفت و گاز ایران از منظر حقوق بین الملل

تیمه قانلی زاده<sup>۱</sup>، مرکز مطالعات اقتصاد بین الملل و انرژی وزارت امور خارجه هادی خلیلی دریجی<sup>۲</sup>، شرکت نفت فلات قاره ایران

چکیده

منابع طبیعی مشترک منابعی هستند که در حالت طبیعی و بدون دخالت انسان از مرزهای زمینی یا دریایی یک کشور عبور می کنند و وارد قلمرو کشوری دیگر می شوند. اگرچه حقوق بین الملل حق حاکمیت دولت ها بر منابع طبیعی واقع در فلات قاره را به رسمیت شناخته است، اما در خصوص منابع طبیعی مشترک بین دو یا چند دولت، خلاء حقوقی قابل توجهی وجود دارد. با وجود این، رویه دولت ها و مراجع بین المللی و دکترین حقوقی، حاکی از وجود یک قاعده حقوقی کلی بر مبنای همکاری دولت های ذیربط در بهره برداری از این منابع است. رویه دولت های ساحلی خلیج فارس نیز حاکی از تثبیت قاعده همکاری است. با وجود میادین متعدد نفت و گاز مشترک بین ایران و همسایگان در خلیج فارس، به دلایل مختلف، بهره برداری از آن ها به صورت یک جانبه صورت می گیرد که در جهت منافع اقتصادی ایران نیست.

واژگان کلیدی: میادین مشترک، حقوق بین الملل، دیوان بین الملل، بهره برداری اشتراکی

### مقدمه

پیوند سیاست و اقتصاد همیشه از موضوعات چالش برانگیز و مورد توجه سیاست بین الملل بوده است. حال اگر سیاست و اقتصاد با حقوق بین الملل نیز ارتباط پیدا کند، موضوع پیچیده تر می شود. مصداق عینی این امر را می توان در میدانهای مشترکی که در مرز دو یا چند کشور قرار دارند، مشاهده کرد. ایران در مرزهای آبی و خاکی خود، با بعضی از کشورهای همسایه در زمینه چگونگی استفاده از میدان های مشترک گازی و نفتی دچار چالش است. از آنجایی که استفاده بی رویه کشورهای همسایه از میادین مشترک می تواند بخشی از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد، در مقاله پیش رو تلاش می شود از منظری حقوقی مسأله میدان های مشترک مرزی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و سرانجام راهکارهایی

برای استیفای بهتر حقوق ارائه شود.

طبق بررسی های انجام شده، ایران با در اختیار داشتن حداقل ۱۲۸ میدان مشترک هیدروکربوری شامل ۱۸ میدان نفتی، ۴ میدان گازی و ۶ میدان نفت و گاز با هفت کشور همسایه، یکی از محدود کشورهای جهان است که از این تعداد ساختار مشترک هیدروکربوری برخوردار است. حدود ۵۰ درصد ذخایر گاز طبیعی ایران نیز در مخازن مشترک قرار گرفته اند.

ایران با عراق ۱۲ حوزه مشترک، با امارات ۷ مخزن مشترک، با عربستان سعودی ۴ مخزن مشترک، با قطر و عمان هر کدام ۲ مخزن مشترک و با کویت و ترکمنستان هر کدام یک مخزن مشترک هیدروکربوری دارد. جدول ۱- اطلاعات تقریبی میادین مشترک نفتی را ارائه می دهد.

مخزن گازی بسیار بزرگ پارس جنوبی با کشور قطر

مشترک بوده و از بزرگ ترین و مهم ترین مخازن اشتراکی ایران و جهان به شمار می روند. مخازن سلمان- ابوالخوش، نصرت- فاتح، فرزام- فلاح و مبارک، مخازن مشترک ایران با امارات متحده عربی هستند. بزرگ ترین میدان گازی مشترک جهان در بخش قطری، ۱۱ سال زودتر از بخش ایرانی به بهره برداری رسید<sup>۳</sup>. همچنین در حال حاضر امارات متحده عربی از میدان مشترک سلمان و عربستان از میدان مشترک فروزان، بیش از دو برابر ایران برداشت می کنند. از سوی دیگر، برداشت یک جانبه از میدان های مشترک، فشار را در بخش بهره برداری شده کاهش داده، در نتیجه، سیال مخزنی به سوی چاه های تولیدی سرازیر می شود. این پدیده یعنی مهاجرت<sup>۳</sup>، سبب می شود کشوری که در حال بهره برداری یک جانبه است، از سهم بیشتری بهره مند شود. جبران انرژی از دست

\*نویسنده عهده دار مکاتبات (Hadi-kh@yahoo.com)



رفته چاه‌ها هزینه‌های مضاعفی را در زمینه اعمال روش‌های افزایش مجدد تولید از جمله تزریق آب، گاز و فرآزآوری مصنوعی در پی خواهد داشت. مطالب گفته شده اهمیت و ضرورت مطالعه و شناخت همه ابعاد سیاسی، فنی، اقتصادی و حقوقی توسعه مخازن مشترک هیدروکربنی را نشان می‌دهد. این نوشتار مسائل میدان‌های مشترک را منحصراً از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی

قرار می‌دهد. مهمترین میدان‌های مشترک ایران در جدول ۲- نشان داده شده است.

### ۱- تعریف مسئله

در حقوق بین‌الملل یکی از جلوه‌های حاکمیت، صلاحیت انحصاری دولتها در بهره‌برداری از منابع طبیعی واقع در قلمرو آنها اعم از خشکی، دریا و فضا بالای کشور و به تبع آن باز داشتن دولت‌های

دیگر برای استفاده از آن منابع بدون رضایت دولت اخیر است. از جمله مهم‌ترین منابع تحت حاکمیت دولت‌ها، ذخایر نفت و گاز هستند. در مواقعی که یک مخزن نفتی یا گازی در تقاطع مرزهای دو یا چند کشور کشف می‌شود، مسئله حاکمیت یا مالکیت بر آن و بهره‌برداری از این مخزن مشترک، مباحث پیچیده حقوقی را پدید می‌آورد. خصیصه این مواد به گونه‌ای است که چنانچه هر یک از دو کشور ذی‌ربط و ذی‌نفع در مخزن، از داخل مرز خود اقدام به حفاری کند، می‌تواند بخشی از نفت یا گاز موجود در مخزن مشترک را استخراج کند. برای مدیریت حقوقی این پدیده طبیعی، در حقوق بین‌الملل وحدت نظر وجود ندارد.

### ۲- ابعاد مسئله

پدیده اشتراک در مخازن نفت و گاز ممکن است در حالت‌های زیر دیده شود:

۱- در محل تلاقی مرزهای خشکی دو دولت یا بیشتر

۲- در محل تلاقی مرزهای دریایی دو دولت یا بیشتر

۳- در محل تلاقی مرزهای دریایی یک دولت و موقعیت بین‌المللی اعماق دریا

در تمامی موارد بالا، ممکن است مرز بین دو دولت به دقت تحدید حدود شده و قلمرو کشورها بدون هر گونه ادعایی نسبت به هم استقرار یافته باشد که در این صورت، امکان رسیدن به راه‌حلی توافقی بین دولت‌های شریک در مخزن آسان‌تر است. اما اگر مرزها تحدید حدود نشده باشند، هر دولت ممکن است نسبت به اینکه مخزن در قلمرو سرزمینی او واقع است، ادعایی داشته باشد که نوعاً دستیابی به توافق میان دو طرف را دشوارتر از وضعیت پیشین می‌کند.

### ۳- جنبه حقوقی مسأله

مبنا و منشأ اختلافات در پدیده اشتراک در این قبیل منابع، ناشی از طبیعت نفت و گاز است. این منابع برخلاف معادن جامد که به آسانی و بر اساس خطوط مرزی تعیین شده بین کشورها، قابل تقسیم

۱ | اطلاعات میدان‌های مشترک نفتی ایران

موقعیت	نام میدان	نام میدان در کشور همسایه
دریایی	فروزان	مرجان - عربستان
	نصرت	فاتح - امارات
	سلمان	ابوالبوخوش - امارات
	اسفندیار	لؤلؤ - عربستان
	فرزام	امارات
	آرش	دورا - کویت و عربستان
	هنگام	بوخای غربی - عمان
	رشادت	الخلیج - قطر
	صالح شمالی	امارات
	لايه نفتی پارس جنوبی	گنبد شمالی - قطر
خشکی	مبارک	امارات
	دهلران	ابوغریب - عراق
	پایدار غرب	جبل فوقی - عراق
	نفت شهر	نفتخانه - عراق
	یادآوران	نهرعمر - عراق
	آزادگان	مجنون - عراق
	اروند	ابوغریب جنوبی - عراق
	آذر	بدر - عراق

۲ | مهمترین میدان‌های گازی مشترک ایران

موقعیت	نام میدان	نام میدان در کشور همسایه
دریایی	پارس جنوبی	قطر
	سلمان	خوف - امارات
	مبارک	امارات
	فرزاد آ	حصه - عربستان
خشکی	فرزاد ب	عربی - عربستان
	گنبدلی	ترکمنستان

هستند، به دلیل سیال بودن، مهاجرت می کنند و شکل مخزن را می گیرند و با بهره برداری از آن توسط یک دولت ذینفع در قلمرو سرزمینی خود، کل یا بخش قابل ملاحظه ای از مخزن که در سرزمین کشور مجاور قرار گرفته است، بدون رضایت آن کشور مورد بهره برداری قرار می گیرد. ابعاد این مسئله وقتی پیچیده تر می شود که برخی فن آوری های حفاری و بهره برداری نوین در صنعت نفت مثل حفاری مورب و افقی را به آن بیافزاییم. این عمل با توجه به اصل بنیادین احترام به حاکمیت سرزمینی، وحدت و تمامیت سرزمینی و منع مداخله می تواند نوعی تجاوز خاموش یا پنهان به قلمرو سرزمینی کشور دیگر تلقی شود. از سوی دیگر، منع کشور شریک در منبع برای بهره برداری از مخزن مشترک نیز به نوبه خود مغایر با همان اصول یا اصول دیگر در حقوق بین الملل خواهد بود. در حقوق داخلی بر اساس یک نظریه قدیمی و مورد قبول در بیشتر نظام های حقوقی بزرگ، مالک زمین، مالک سطح زیر و فضای مجازی آن - تا هر قدر که بالا یا پایین برود - است. اما این نظریه برای اداره و پاسخگویی به مسائل مربوط به مالکیت بر مواد سیال زیرزمینی کافی نیست. از دید بعضی حقوقدانان، نفت و گاز در زیر زمین، مانند جانوران وحشی یا پرندگان هستند که در ملک هر کس بروند، صاحب زمین نسبت به آن حق پیدا می کند و می تواند آن را حفاظت کند و مالک آن شود. از این رو، مالکیتی نسبت به آن به دست می آورد، حتی اگر نفت یا گاز استحصال از مخزنی باشد که بخشی از آن در زمین کشور همسایه قرار داشته است.

در این قبیل اختلافات، گرایش اولیه دادگاه های رسیدگی کننده به ادعای مالک زمین مجاور مبنی بر اینکه بهره برداری همسایه از چاه نفت واقع در زمین خود موجب تخلیه مخزن نفت زیرزمینی مشترک می شود، این بوده که تنها راه جبران خسارات در چنین مواردی آن است که مدعی نیز تا جایی که می تواند با حفر چاه در زمین خود

از مخزن بهره برداری کند و نگذارد نفت مخزن به سمت همسایه برود. بنابراین، مالکیت یا حاکمیت بر زمین لزوماً خود به خود مساوی با مالکیت بر نفت و گاز زیر آن نیست.

دیدگاه دیگر در این خصوص بر این باور است که چنین مخازنی حکم مال مشاع و - در این بحث - بین المللی را دارند که هیچ یک از شرکا نمی توانند بدون رضایت شریک دیگر در آن ها دخل و تصرف کنند. دیدگاه اخیر امروزه با همین توجیه یا با توجهات دیگر، تا حدی مورد قبول واقع شده است. در ۴۰ سال اخیر برای برون رفت از وضعیت گفته شده، موافقت نامه های دو یا چند جانبه زیادی بین دولت هایی که چنین منابعی در طول تقاطع خطوط مرزی آن ها وجود دارد، منعقد شده یا هنگام تنظیم موافقت نامه های تحدید حدود مرزی، به کشف احتمالی چنین منابعی اشاره شده و در هر دو حالت، به اصل همکاری در بهره برداری مشترک و چگونگی عملی ساختن این همکاری نیز پرداخته شده است. این همکاری مزیت هایی چون کمک به حفظ صلح و امنیت بین المللی از راه در نظر گرفتن حقوق همه کشورهای ذی نفع در منبع مشترک، حداکثر بهره برداری از منبع، صرفه جویی های اقتصادی در بخش اکتشاف و استخراج و کاهش قیمت تمام شده نفت و گاز استحصالی، حفاظت از منابع و رعایت الزامات زیست محیطی و انضباطی مالی را به همراه دارد. بر همین اساس، از سال ۱۹۵۸ که اولین موافقت نامه بین المللی، تنظیم شده، مستقیماً به همکاری در بهره برداری از منابع نفت و گاز مشترک اختصاص داشته یا در موافقت نامه تحدید حدود مرزی به آن موضوع توجه و اشاره شده است. البته در هر کدام از این ترتیبات همکاری، شکل و قالب های حقوقی مختلفی با توجه به خصوصیات عمومی و فنی مخزن و روابط فی مابین کشورها به کار گرفته شده است. با توجه به مطالب گفته شده، چند پرسش قابل طرح است:

۱. آیا هر دولتی می تواند به هر طریقی، به خصوص

با به کارگیری فن آوری های جدید، به منابع نفت و گاز موجود در قلمرو کشورها یا در تقاطع مرز بین کشورهای دیگر دست اندازی کند و با این ادعا که این منابع، طبیعی اند و از مباحاتند، آن ها را حفاظت کند و به تصرف و تملک خود در آورد؟

۲. آیا دولتی که با دولت دیگر همجواری دارد و در مرز بین آن دو (اعم از اینکه تحدید حدود مرزی شده یا نشده باشد) مخازن نفت و گاز یافت شده است، می تواند بدون هماهنگی با دولت همسایه از داخل قلمرو سرزمینی خود از ذخایر موجود در مخزن مشترک به هر میزان و به هر صورت بهره برداری کند؟ چنانچه این اقدام را انجام داد، آیا از نظر بین المللی مسئول خواهد بود؟

۳. آیا دولت همسایه و به اصطلاح شریک در مخزن، می تواند با تمسک به قاعده ای الزام آور در حقوق بین الملل، ضمن عدم تمایل به بهره برداری از مخزن و عدم مشارکت در تهیه ضوابطی برای اکتشاف و بهره برداری از مخزن، از اقدامات دولت یا شریک دیگر جلوگیری کند؟

۴. آیا دولت های ذی ربط یا ذی نفع در مخزن مشترک بر اساس قاعده ای الزام آور در حقوق بین الملل، مجبورند با هماهنگی، همکاری و اطلاع یکدیگر از مخزن بهره برداری کنند؟

پاسخ به هیچ یک از پرسش های بالا - جز موارد اول - آسان و قطعی نیست. در حقوق بین الملل که تابعان آن دولت ها هستند، هر دولت تلاش می کند حاکمیت خویش را بر منابع طبیعی موجود در قلمروی خود اعمال و از آن ها برای توسعه اقتصادی و اجتماعی مردم خود بهره برداری و از تعرض دولت های دیگر به تمامیت ارضی خود جلوگیری کند.

در نتیجه، این سؤال مطرح می شود که اگر هر یک از دو دولت بخواهند به یک نحو اعمال حاکمیت کرده و از تعرض به تمامیت ارضی خود جلوگیری کنند، چگونه باید با منابع طبیعی مشترکی - مخازن نفت و گاز - که در تقاطع مرزهای آن ها با دولت های

همسایه وجود دارد، برخورد شود؟ در واقع، اصل بر این است که دولت‌ها هیچ تعهد و تکلیفی در برابر دولت‌های دیگر ندارند، مگر اینکه به موجب معاهده یا عرف مسلم، وجود چنین تعهدی اثبات شود. با این پیش فرض چگونه می‌توان تکالیف و حقوق دولت‌ها را درباره بهره‌برداری از منابع نفت و گاز مشترک مشخص کرد؟

اولین دیدگاه در این خصوص این است که چنانچه در موضوع مورد بحث معاهده‌ای عام یا خاص یا عرف بین‌المللی یا اصولی حقوقی، ضابطه‌ای مقرر نکرده باشد، هر دولت می‌تواند در قلمرو تحت حاکمیت خود که با مرزهای شناخته شده از همسایه‌اش متمایز شده است، دست به هر اقدامی از جمله اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی بزند و منابع یاد شده را تحت تصرف خود در آورد، حتی اگر این مواد تولیدی از آن طرف مخزن که تحت قلمرو دولت همسایه بوده، به دست آید. بر اساس برابری حاکمیت دولت‌ها، دولتی که زودتر حفاری را شروع کرده است، نمی‌تواند از دولت دیگر بخواهد که از طرف خودش حفاری نکند. از این رو، در استخراج بین دو طرف مخزن، رقابتی ایجاد خواهد شد که به بهره‌برداری هر چه بیشتر می‌انجامد. این قاعده - حفاظت - که در واقع از حقوق داخلی به حقوق بین‌المللی آمده، در طول دوران، مصون از تعرض نمانده است و قواعد حاصل از آن دستخوش تغییر شده‌اند. بعضی حقوقدانان بین‌المللی معتقدند از منابع حقوق بین‌الملل می‌توان دلایلی یافت که اگر به انکار این قاعده منجر نشود، دست کم حکایت از تعدیل و محدود شدن آن دارد.

رمز گشایی این مشکل در این نکته نهفته است که آیا می‌توان هر دولت را نسبت به محتوای مخازن نفت و گاز تحت قلمرو خشکی یا دریایی آنها به صورت درجا و قبل از استخراج دارای حاکمیت مشاعی و در نتیجه مالکیت مشاعی دانست یا خیر؟ اگر چنین اعتقادی حمایت‌دکترین و رویه قضایی را کسب کند، بی تردید مخزن نفت و گاز واقع

در تقاطع مرز دو کشور، تحت حاکمیت مشاعی دو دولت تلقی می‌گردد و اعمال حاکمیت یکی بدون توافق دیگری، نوعی نقض تمامیت ارضی همسایه محسوب می‌شود و دولت خاطی مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت.

در رویه قضایی بین‌المللی تا سال ۱۹۶۹ که دیوان بین‌المللی دادگستری به قضایای دریای شمال رسیدگی و در رأی خود به طور غیرمستقیم به مسأله مخازن مشترک نفت و گاز توجه کرد، نمی‌توان هیچ سرنخی را درباره این موضوع به دست آورد اما طرفداران نظریه بهره‌برداری یک‌جانبه با تمسک به رأی دیوان دائمی دادگستری در قضیه لوتوس، بر آزادی اعمال حاکمیت دولت‌ها در مواقعی که این آزادی با معاهده‌ای خاص یا عام یا عرف بین‌المللی محدود نشده باشد، پافشاری می‌کنند. همچنین، رأی دیوان دائمی اسپانیا و فرانسه در مورد دریاچه لانو که فرانسه را در اعمال حاکمیت یک‌جانبه‌اش در بهره‌برداری از آب آن دریاچه منع نکرد، مویب دیگری بر نظر این گروه تلقی شد.

به‌طور خلاصه ایده مباح بودن حفاظت دولت از منابع مشترک در قلمرو ملی خود - حتی اگر بخشی از محتوای مخزن مشترک از زیر قلمرو دولت همسایه استحصال شود، ایده‌ای زنده، ولی خاموش است. یک گروه از حقوقدانان گفته‌اند، قواعد عمومی حقوق بین‌المللی در زمینه منابع طبیعی مشترک نمی‌تواند کمک‌چندانی به حل مسأله کند. این گروه، به جای پرداختن به مناقشه جواز یا ممنوعیت بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع نفت و گاز مشترک، با توجه به ملاحظات عملی و گرایشی که دولت‌ها داوطلبانه به سوی همکاری در بهره‌برداری از منابع مشترک دارند، سرگرم ارائه نمونه قراردادهایی هستند که دولت‌های ذی‌نفع در صورتی که بخواهند با هم از منابع مشترک بهره‌برداری کنند، از آن قراردادها استفاده نمایند.

گروه دیگر معتقدند با تصویب منشور متحد و تأکیداتی که بر اصل احترام به تمامیت ارضی دولت‌ها و منع مداخله در آن به عمل آمده، همچنین

با قطعنامه‌هایی که در مورد منابع طبیعی مشترک و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها به تصویب رسیده همین‌طور با توجه به منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها و لزوم رعایت حسن همجواری دولت‌ها با یکدیگر و بالاخره با در نظر گرفتن کنوانسیون‌های چهارگانه حقوق دریای مصوب ۱۹۵۸<sup>۵</sup>، گرایشی در میان دولت‌ها - به ویژه از همان سال ۱۹۵۸ - پدید آمد که در تنظیم موافقت‌نامه‌های تحدید حدود مرزهای دریایی خود به شرط و قیدی تأکید کنند که در صورت پیدا شدن مخزن مشترک یا یک ساختار زمین‌شناسی واحد - که از هر دو سوی خط مقسم یا منصف بتوان نسبت به استخراج آن اقدام کرد - دو طرف موظفند با مذاکره، به موافقت‌نامه‌ای برای کارآمدترین روش بهره‌برداری از مخزن دست یابند. این ایده و لحن نرم سپس در کنوانسیون حقوق دریای مصوب ۱۹۸۲<sup>۶</sup> در مورد منابع دریایی و زیر بستر دریا تعقیب شد و صراحت یافت.

بر اساس نظراتی که مطرح شده است در رفتار برخی دولت‌ها انگیزه مشروع مخالفت با بهره‌برداری یک‌جانبه توسط یک دولت و همچنین اعتقاد به بروز قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل عرفی برای محدود کردن حاکمیت آن دولت در این عملکرد به چشم می‌خورد. نویسندگان یاد شده، گرایش دارند در بعضی از این رویه‌ها راجع به مذاکره یا قراردادهای بهره‌برداری و تقسیم عایدات استخراج شده و همچنین عملکرد دولت‌ها در برخورد با منابع نفت و گاز مشترک، یک قاعده حقوقی واقعی مبنی بر تعهداتی برای دولت‌های درگیر در این مسائل تدارک ببینند. این دیدگاه که از رویه پُرحجم، گسترده و تقریباً یکنواخت دولت‌ها در درج شرط نمونه پیش‌گفته و متعاقب آن، موافقت‌نامه‌های یکی‌سازی بین‌المللی مخزن مشترک "Unitization" یا توسعه مشترک بین دولت‌های ذی‌نفع "Joint Development Zone" یا "Agreements" سود می‌برد، از رویه قضایی هم بی‌نصیب نیست. آرای صادره در قضایای دریایی

شمال ۱۹۶۹، دریای اژه بین ترکیه و یونان ۱۹۷۶، رأی کمیسیون سازش بین نروژ و ایسلند در مورد جزیره جان ماین در سال ۱۹۸۱، اختلاف دریایی بین لیبی و تونس ۱۹۸۲ و سرانجام رأی دیوان داوری حل اختلاف بین یمن و اریتره ۱۹۹۹ که به نوعی بر همکاری در بهره‌برداری از منابع نفت و گاز مشترک و اجتناب از بهره‌برداری یکجانبه دلالت دارند، تا حدودی به تقویت این دیدگاه کمک می‌کنند.

#### ۴- رابطه ایران با دولت‌های جنوبی خلیج فارس

ایران بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ با همه دولت‌های جنوب خلیج فارس غیر از کویت موافقتنامه تحدید حدود منعقد کرده و در تمام موافقت‌نامه‌های یاد شده، چنین متنی درج شده است: ماده ۲. هر گاه ساختمان زمین شناختی نفتی واحد یا میدان نفتی واحد یا هر ساختمان زمین شناسی واحد یا میدان واحدی از مواد معدنی دیگر به آن طرف خط مرزی مشخص در ماده ۱ این موافقت‌نامه امتداد یابد و آن قسمت از این ساختمان یا میدان را که در یک طرف خط مرزی واقع شده باشد بتوان کلی یا جزئی به وسیله حفاری انحرافی از طرف دیگر خط مرزی مورد بهره‌برداری قرار داد، در این صورت:

الف- در هیچ یک از دو طرف خط مرزی مشخص شده در ماده ۱ هیچ چاهی که بخش بهره‌دهی آن کمتر از ۱۲۵ متر از خط مرزی مزبور فاصله داشته باشد، حفر نخواهد شد مگر آن که طرفین نسبت به آن توافق کنند.

ب- طرفین کوشش خواهند کرد که نسبت به نحوه هماهنگ کردن عملیات و (یا) وحدت آن در دو طرف خط مرزی توافق کنند.

فاصله مذکور، در موافقت‌نامه ایران و عربستان ۵۰۰ متر تعیین شده است. همچنین باید یادآور شد فاصله ممنوعه حفاری یا مشروط به توافق در موافقت‌نامه‌های میان ایران و دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس، به هیچ وجه مقصود و هدف

از تعیین این فاصله را تأمین نمی‌کند. نمونه بارز آن مخزن بسیار گسترده گاز میان ایران و قطر است. یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که در موافقت‌نامه میان آمریکا و مکزیک راجع به خلیج غرب مکزیک-مصوب سال ۲۰۰۰- این فاصله از خط منصف ۱/۴ مایل و جمعاً نوار ممنوعه حفاری معادل ۳۵۰۰ متر مربع تعیین شده که بسیار معنادارتر از موافقت‌نامه‌های میان ایران و همسایگانش است. بر اساس مطالب بالا، ایران و دولت‌های جنوبی خلیج فارس حق ندارند در فاصله تصریح شده تا خط مرزی اقدام به حفر چاه کنند مگر آنکه نسبت به آن توافق کنند. دوم اینکه، برای نحوه هماهنگی عملیات یا وحدت آن کوشش می‌کنند که به توافق برسند. این قسمت از ماده ۲ می‌تواند به دو صورت تفسیر شود، بر پایه تفسیر بعید، اگر در مرز بین دو کشور مخزن مشترکی با توصیف فوق یافت شود، عملیات بهره‌برداری باید هماهنگ شود. طبق تفسیر جاری هم برای حفر چاه در محدوده ۱۲۵ متری مرز باید کوشش شود که دو طرف به توافق برسند. بر پایه تفسیر دوم، دو دولت در حفر چاه و بهره‌برداری از مخزن مشترک تا ۱۲۵ متری خط مرزی آزادند هر طور مایلند از منابع نفت و گاز واقع در قلمرو خود بهره‌برداری کنند.

آخرین اقدامات بین‌المللی برای تدوین قواعد مربوط به بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، بررسی موضوع منابع طبیعی مشترک را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرد. مسأله اولیه کمیسیون این بود که همه منابع طبیعی مشترک (آب‌های زیرزمینی، نفت و گاز) را در یک سند مورد بررسی قرار دهد یا اینکه با توجه به خصوصیات هر یک از منابع طبیعی، سند مجزا تهیه کند. پس از بحث بسیار زیاد سرانجام بررسی مجزای آن‌ها در دستور قرار گرفت. گزارشگر ویژه کمیسیون - آقای یامادا- بر خلاف وعده داده شده در تقویم کاری خود تا پایان سال ۲۰۰۸، تنها موفق شد متن پیش‌نویسی را در ۲۰ ماده درباره آب‌های زیرزمینی محصور

مشترک تصویب کند که هنوز به تصویب مجمع عمومی نرسیده و در نتیجه، کاری در خصوص منابع مشترک نفت و گاز صورت نگرفته است.

#### نتیجه‌گیری

در این نوشتار کوشش شد به این پرسش پاسخ داده شود که آیا با توجه به مقررات بحث برانگیز حقوق بین‌الملل در یاها، قطعنامه‌های مرتبط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، آرای صادره از مراجع حل و فصل اختلافات بین‌المللی و نمونه‌هایی از رویه دو جانبه دولت‌های ذی‌ربط در زمینه بهره‌برداری مشترک، اصول کلی حقوقی و همچنین نوشته‌های نویسندگان حقوقی، می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی دایر بر خودداری از بهره‌برداری یک جانبه از منابع مشترک نفت و گاز و الزام دولت‌ها به مذاکره برای دستیابی به توافق‌نامه‌های بهره‌برداری اشتراکی، شکل گرفته است؟

محور بحث یعنی، ضرورت استقرار اصل کلی لزوم همکاری بین‌المللی در بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک، می‌تواند به این نتیجه منتهی شود که در حال حاضر می‌توان این اصل را به‌عنوان دو قاعده تریبی حقوق بین‌الملل عرفی قابل اعمال در یک مخزن مشترک به شکل زیر تنظیم مجدد کرد: قاعده اول: تعهد به همکاری برای دستیابی به موافقت‌نامه‌ای در مورد اکتشاف و استخراج از مخازن مشترک نفت یا گاز، اگر چه ضرورتاً این همکاری به بهره‌برداری مشترک از آن منابع منجر نشود.

قاعده دوم: در صورت عدم دستیابی به چنین موافقت‌نامه‌ای، تعهد به خودداری یا امتناع متقابل در خصوص بهره‌برداری یک‌جانبه از مخزن.

این دو تعهد اگر چه وضعیتی را ایجاد می‌کنند که باعث خلق مبنایی حقوقی برای یک رویکرد تدریجی نسبت به مخازن مشترک می‌شود، ولی هنوز نمی‌توان گفت که بهره‌برداری مشترک به خودی خود و به‌طور مشخص توسط حقوق

بین الملل لازم الاجرا شده و از این رو نیاز مندیم برای رسیدن به چنین مطلوبی، اقدامی را که مبین اراده سیاسی دولت‌های درگیر است، به عمل آوریم. همچنین، می‌توان عناصر موثر مختلفی را از چارچوب کلی آن استخراج کرد که به یک سلسله تکالیف تجویزی و ممنوعیتی منتهی شود:

■ فقدان قاعده‌ای تحت عنوان حفاظت بین‌المللی یعنی اینکه دولت‌های ذی‌نفع از اکتشاف یک جانبه شامل هر بخش از آن در طرف خودشان اعم از مرز خشکی یا دریایی ممنوع هستند.

■ با توجه به ممنوعیت حفاظت و بهره‌برداری یک‌جانبه، فرصت برای طرح عناصر تجویزی تعهد عام و کلی فراهم می‌شود؛ یعنی، هر دولت ذی‌نفع متعهد خواهد بود که با حسن نیت در خصوص یک مخزن مشترک، به دیگر دولت‌ها آگاهی، اطلاع و مشورت بدهد. شرح و توضیح دقیق تر این تعهد حتی ممکن است اقتضا کند که این مشاوره‌ها بر اصل سهم منصفانه از منابع استخراجی مبتنی باشند. مترقی‌ترین شکل اعمال این اصل، بی‌تردید، توافق‌نامه‌ی بهره‌برداری اشتراکی خواهد بود.

■ دولت‌ها باید برای بهره‌برداری از منبع، با حسن نیت و با هدف دستیابی به ترتیبات همکاری مناسب - به گونه‌ای که همه دولت‌های ذی‌نفع را دربر بگیرد - وارد مذاکره شوند، البته این مذاکرات نباید لزوماً به سوی بهره‌برداری اشتراکی هدایت شوند. شایان

توجه است دولت‌های ذی‌ربط هیچ تعهدی به انعقاد چنین ترتیباتی ندارند، تنها باید به مذاکره در مورد آن‌ها بپردازند. در نتیجه، دولت‌ها ضرورتاً باید با هدف رسیدن به یک توافق، مذاکره کنند، عیناً شبیه آن چیزی که در مورد تحدید حدود فلات قاره وجود دارد.

این آخرین ملاک تجویزی، بحث را به موثرترین وسایل بهره‌برداری از منبع مشترک باز می‌گرداند. بسیاری از توافق‌نامه‌های مربوط به چنین مخازنی، آحادسازی فرامرزی آنها یا بهره‌برداری اشتراکی را مقرر می‌کنند که قطعاً مشروح‌ترین، مرجع‌ترین و تأییدشده‌ترین اقدام است. پیشنهاد این تحقیق برای کشورمان که با همسایگان خود مخازن مشترک نفت و گاز دارد و با بیشتر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس موافقت‌نامه تحدید حدود منعقد کرده و در این موافقت‌نامه‌ها نیز به مسأله چگونگی برخورد با میدان‌های مشترک اشاره شده، این است که دو برنامه مشخص را در تعامل با همسایگان جنوبی دنبال کند؛ نخست، با توجه به آنکه توافق‌نامه‌های اشاره شده، جامع نیستند، نمی‌توانند در مواقعی که مخزن مشترک وسیعی (مانند میدان مشترک میان ایران و قطر) در تقاطع مرز دو کشور یافت می‌شود، دیپلماسی سنجیده و صبورانه و با استفاده از همه ظرفیت‌های بالقوه و مشترک با همسایگان را بگشاید. این سیاست را می‌توان در قبال کشور کویت در

پیش‌گرفت زیر ایران و کویت هنوز موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره را امضا نکرده‌اند.

دوم، تا زمانی که موافقت‌نامه‌هایی برای توسعه مخازن نفت و گاز مشترک با همسایگان امضا نشده باشد، دولت ایران باید نقل فعالیت‌های توسعه و اکتشاف خود را روی مخازن مشترک موجود و احتمالی آتی بگذارد. بی‌تردید چنین سیاست‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی موجب می‌شوند که همسایگان به تنظیم موافقت‌نامه‌های یاد شده، ترغیب شوند. شاید دو اقدام نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در این زمینه این باشد که نخست، مقررات آسان‌تری برای جذب سرمایه و فعالیت‌های توسعه‌ای در خصوص مخازن مشترک وضع شود. دوم، برای نشان دادن عزم جدی برای پرداختن به مسأله توسعه مخازن مشترک نفت و گاز، شرکتی با شخصیت حقوقی مستقل یا معاونتی با همین نام و وابسته به وزارت نفت ایجاد شود. هر چند که هم‌اکنون در برخی از شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ایران که از میادین مشترک تولید می‌کنند، مانند شرکت نفت فلات قاره ایران، مدیریتی تحت عنوان مدیریت میادین مرزی و مشترک شروع به فعالیت نموده است، ولی وجود این مدیریت در سطح وزارت، باعث تمرکز فعالیت‌ها و موضوعیت یافتن توسعه مخازن مشترک در وزارت نفت و سازمان‌های ذی‌ربط خواهد شد. ■

## پانویس‌ها

<sup>۱</sup> طبق اعلام مدیر پژوهش و فناوری شرکت ملی نفت ایران در هم‌اندیشی نظام جدید قراردادهای صنعت نفت ایران که در اوایل اسفند ماه سال جاری برگزار شد، ایران دارای ۲۹ میدان مشترک با کشورهای همسایه است. رجوع شود به

<http://www.payamenaft.com/telex-27212.html>

<sup>۲</sup> قطر با استفاده از درگیری ایران در جنگ تحمیلی، در ۱۹۸۸ موفق به برداشت از میدان مزبور گردید. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

<http://www.igu.org/Current status of the World's gas giants>

<sup>۳</sup> Migration

<sup>۴</sup> نظام حقوقی منابع آب - آبراه‌های بین‌المللی خاورمیانه؛ جمشید ممتاز. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: <http://www.ghavanin.ir>

<sup>۵</sup> کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۵۸ در خصوص حقوق دریاها و پروتکل اختیاری الحاقی به زبان انگلیسی عبارتند از: (Tufts University)

کنوانسیون دریای سرزمینی و منطقه مجاور (۲۹ آوریل ۱۹۵۸)

کنوانسیون دریای آزاد

کنوانسیون درباره ماهیگیری و حفاظت از منابع جاندار

کنوانسیون درباره فلات قاره

پروتکل اختیاری در خصوص حل و فصل اجباری اختلافات مربوط به کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ (۲۹ آوریل ۱۹۵۸).

<sup>۶</sup> کنوانسیون حقوق دریاها مشتمل بر ۳۲۰ ماده و ۹ الحاقیه در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ توسط

نمایندگان ۱۱۹ کشور شرکت کننده به امضا رسید. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: <http://www.un.org/convention>

<sup>۷</sup> حقوق بین‌الملل و منابع مشترک مرزی بین کشورها؛ جواد کاشانی. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: <http://www.noormags.com>